



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان

تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲/ جمادی الاولی/ ۱۴۴۷ هـ، ق موافق ۲/ عقرب/ ۱۴۰۴ هـ، ش

ضرورت حفظ وحدت و استقامت در برابر فشارهای جهانی و مداخلات همسایه گان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله العزيز القدير، والصلاة والسلام على نبينا السراج المنير، وعلى آله وصحابه أجمعين، أصحاب المواقف والجبال الرواسخ، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، وبعد: قال الله سبحانه وتعالى: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ). فصلت: (۳۱)

حضار محترم وشنودگان عزیز و گرامی!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

مبارزه میان حق و باطل از زمان آفرینش آدم علیه السلام و شیطان آغاز شده و تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. در مقابله با دشمن، پیروزی و گاهی شکست، از طبیعت جنگ است. چنان که در روایتی آمده است: (الْحَرْبُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِجَالٌ يَنَالُ مِنَّا وَنَنَالُ مِنْهُ) (صحیح بخاری، ۹/۱)

ترجمه:- جنگ میان ما و آنان به صورت نوبتی است، گاهی آنان بر ما دست می یابند و گاهی ما بر آنان.

هموطنان گرامی!

برای همی ما و شما روشن است که تقریباً (۵۰) پنجاه سال می شود که از سوی همسایگان در امور افغانستان مداخله ادامه دارد. به ویژه از آن روزی که مجاهدین امارت اسلامی افغانستان با فداکاری ها، قربانی ها، عملیات های استشهادی و ریختن خون خود توانستند نیروهای ناتو، آمریکا و متحدانشان را از این سرزمین بیرون کنند و در زیر چتر امارت اسلامی نظام اسلامی در افغانستان برقرار شد، از همان روز تاکنون، کشورهای جهانی بر افغانستان و ملت مجاهد آن انواع فشارها را وارد کرده اند و در امور داخلی افغانستان به گونه های مختلف مداخله می کنند.

جهانیان سرمایه های ملت افغانستان را منجمد ساختند، در بخش های تجاری و اقتصادی محدودیت ها و تحریم هایی وضع کردند، در صحنه جهانی مانع شناخت و پذیرش حکومت افغانستان شدند، در همه عرصه های زندگی، راه همکاری های منطقه ای با افغانستان را بستند، رفت و آمد رهبران دولت را ممنوع کردند و افغان ها را در خانه ی خود مانند محاصره شدگان در شعب ابی طالب در تنگنا قرار داده اند.

همچنین، همسایگان نیز در امور افغانستان مداخله های نادرست و برخلاف اصول بین المللی می کنند که این نیز بخشی از همان فشار جهانی است.

ما و شما دیدیم که همسایگان ما با چشمانی باز و بی پرده در قلب کابل و در ولایت کندهار و در ولایت پکتیکا بر هموطنان بی دفاع ما بمباران کردند و هموطنان مان را شهید و زخمی ساختند.

هدف از این مداخلات بی شرمانه همسایگان این است که ما افغان ها خواسته های نامشروع و نامعقول آنان را بپذیریم، حاکمیت خاک مان را به آن ها بسپاریم یا در قدرت سیاسی با آن ها شریک شویم؛ آن ها می خواهند اختیار جان و مال مان را در دست خود داشته باشند، همسایگان ما از ما می خواهند که از مواهب و ثروت هایی که الله تعالی به ما داده — معادن و آب ها — به طور سالم بهره مند نشویم. آن ها می خواهند در افغانستان هیچ حرکت و پیشرفتی اقتصادی رخ ندهد و ما باید دست روی دست بگذاریم تا آن ها هرگونه که خواستند در امور داخلی مان دخالت کنند.

همسایگان ما می گویند: « شما مطابق میل ما سیاست خارجی و داخلی تان را تنظیم خواهید کرد و روابط تان را با جهان بر اساس خواست ما مستحکم بسازید.» برخی از همسایگان از ما می خواهند که در صحنه بین المللی درباره روابط مان با دیگران معامله کنند و نمایندگی مان را به عهده گیرند و امور سیاسی مان را در دست بگیرند — آیا می خواهید بگویند که ما غلامان حلقه به گوش آن ها هستیم؟ اما اگر همسایگان به تاریخ پرافتخار ما مراجعه کنند خواهند دید که ملت مجاهد افغانستان همواره سرنوشت دیگران را تعیین کرده است و در طبیعت ما نیست که در برابر دیگری سر فرود آوریم و سرنوشت خود را مطابق میل دیگران تعیین کنیم. ملت مسلمان و مجاهد افغانستان هرگز در برابر خواسته های ناپسند و غیرمشروع همسایگان سر تسلیم فرود نخواهد آورد.

هدف فشارهای بین المللی این است که ما دین مقدس اسلام را رها کنیم و تابع دین کفار شویم و در جامعه افغانی آن افکار، اعتقادات و قوانینی را رواج دهیم که غرب می خواهد.

هدف فشارهای جهانی این است که به جای قانون اسلامی، قانون کفری را بر ما تحمیل کنند؛ منظور از فشارهای بین المللی این است که ما فرهنگ و سنن اصیل اسلامی و افغانی مان را ترک کنیم و در جامعه مان فرهنگ ها و عرف های کفرآلود، الحادی و مملو از منکرات رواج یابد؛ زنان را به بازارها، خیابان ها و پارک ها بکشانند تا مردان و زنان بیگانه و نامحرم مانند غرب، کنار هم زندگی مشترک اختیار کنند و در همه عرصه های زندگی نظام مختلط برقرار شود، چیزی که با دین مقدس اسلام و فرهنگ افغانی در تضاد است.

این ها همان خواسته هایی اند که الله جل جلاله یازده صد سال (یازده قرن) به ما تعلیم داده و فرموده است: (وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ). البقرة: (۱۲۰)

ترجمه:- و یهود و نصارا هرگز از تو را ضی نخواهند شد تا اینکه از دین شان پیروی کنی. بگو: البته هدایت الله حقیقی است و اگر از خواهشات و آرزویشان پیروی کنی، پس از اینکه علم و آگاهی به تو آمده است، هیچ مددگاری و یابوری از جانب الله برای تو نخواهد بود.

ملت افغانستان چه گناهی کرده است که تحت فشارهای ظالمانه جهانی قرار گرفته و همسایگانش در امور داخلی اش مداخله می کنند؟ آیا گناه ملت افغانستان این است که اعلام می کنند ما فقط به یک الله جل جلاله ایمان داریم و جز خداوند از هیچ کس سر فرود نمی آوریم؟

آیا گناه ما این است که اشغالگران را از خانه و وطن مان رانندیم و به خواسته ها و فرمان های همسایگان و غربیان تن ندادیم؟

آیا گناه ما این است که بر فرهنگ و سنن اصیل افغانی و اسلامی خود پابندیم و از فرهنگ غرب پیروی نمی کنیم؟

آیا گناه ما این است که در افغانستان نظام اسلامی حاکم است و حقوق شرعی همه مردم اجرا می شود؟

آیا گناه ما این است که مستقل و آزادیم و به شرق یا غرب وابسته نیستیم؟

آیا گناه ما این است که خدایان زمینی را نمی پذیریم و قوانین بشری ساخته دست بشر را قبول نداریم و تنها تابع قانون الهی هستیم؟

اگر گناه ما این است که ما فقط یک رب یگانه را که خداوند جلّ جلاله است می‌پذیریم، تنها او را خالق و مالک امور دنیوی و آخروی خود می‌دانیم و خود را تسلیم قانون او کرده‌ایم، پس ما از فشارها و فرمان‌های هیچ کس نمی‌ترسیم و کارهایمان را به خالق و مالک خویش می‌سپاریم و چنین می‌گوییم: (وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنا) الأعراف (۱۲۶) ترجمه: تو از ما انتقام نمیگیری مگر اینکه چون آیات پروردگار ما آمد و ما به آن ایمان آورده ایم.

در آیه مبارکه دیگری خداوند فرموده است: (وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ). البروج: (۸) ترجمه:- و آنها از مؤمنان انتقام نگرفتند مگر اینکه به الله غالب و ستوده ایمان آورده بودند.

این مطلب چیز تازه‌ای نیست؛ هرگاه به قرآن کریم، احادیث نبوی و تاریخ مراجعه کنیم، خواهیم دید که همیشه مسلمانان و دارندگان عقیده توحید تحت فشار قرار گرفته‌اند و این روش، راه و رسم کفار و منافقان پیشین است.

هنگامی که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم دعوت به توحید الهی را آغاز کرد، مشرکین مکه فشارهای گوناگون بر ایشان وارد می‌آوردند؛ گاهی به ایشان می‌گفتند دینت را کنار بگذار تا ما یکی از دختران زیبای مکه را به ازدواجت درآوریم، و گاهی تهدید می‌کردند که اگر از دینت دست نکشی، تو را خواهیم کشت. اما رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در برابر خواست‌های آنان فرمود: (والله لو وضعوا الشمس في يميني، والقمر في يساري على أن أترك هذا الأمر حتى يظهره الله، أو أهلك فيه ما تركته). السيرة النبوية لابن كثير (۴/۷۷)

ترجمه:- به خدا سوگند اگر این اهل مکه خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند تا این کار (دعوت الهی) را رها کنم تا الله تعالی آن را غالب نگرداند یا اینکه من در این راه هلاک شوم، آن را رها نخواهم کرد.

بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم و یاران ایشان فشار بسیار آوردند؛ طایفه بنی‌هاشم را تقریباً سه سال در شعب ابی‌طالب محاصره کردند و بر آن‌ها انواع تحریم‌ها و مقاطعه‌ها اعمال نمودند؛ که هیچ کس با آنان سخن نگوید مواد خوراکی و نیازمندی‌ها را از آنان منع کردند. همچنین بر صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فشارهای مختلفی وارد آمد تا از دین اسلام بیزار و منصرف شوند، اما مسلمانان با استقامت در برابر تمام فشارهای کفار ایستادگی کردند، تا جایی که برخی از صحابه به خاطر شدت فشارها به حبشه هجرت نمودند. کفار نسبت به پیامبر القاب ناپسندی چون «مجنون»، «ساحر»، «کاهن» و مانند آن‌را به کار می‌بردند؛ این القاب نیز ابزارهایی برای وارد آوردن فشار بر نبی اکرم بود.

قصد کشتن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم، گردآوری قبایل علیه ایشان و ایجاد دسیسه‌های پنهانی علیه پیامبر همه نمونه‌هایی از فشارها و توطئه‌هایی است که بر پیامبر وارد می‌شد.

اما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم و صحابه کرام در برابر فشارهای کفار استوار و ثابت‌قدم ایستادند و در هر میدان با آنان مقابله کردند.

۱- ضرورت حفظ وحدت در برابر فشارهای جهانی و مداخلات همسایگان:

امروز که همسایگان ما از ما بردگی می‌خواهند و علیه ما انواع دسیسه‌ها را به کار می‌گیرند، و کشور عزیز ما و ملت ما در معرض فشارهای جهانی قرار دارد، بنابراین ما به ملت غیور و مجاهد خود چه آنان که در شرق و غرب زنده‌گی می‌کنند و چه در شمال و جنوب ندا می‌دهیم که برای مقابله با دشمنان، دست در دست هم نهید و وحدت و یگانگی خود را حفظ کنید. همانند پدران و نیاکان‌تان، در برابر مداخلات و تجاوزات دشمن بایستید و نقشه‌های آنان را خنثی سازید.

از جمله طرح‌های کشورهای متجاوز همسایه این است که در میان ملت افغانستان اختلاف بیندازند تا به اهداف شوم خود برسند و زمینه مداخله‌شان فراهم گردد.

از آن‌جا که دفاع از جان، مال، عزت و آبرو بر ما واجب است، این کار بدون وحدت و یگانگی ممکن نیست.

وحدت و یگانگی یعنی این که مردم عادی، سیاستمداران، اهل قلم، بزرگان قومی — همه در برابر دشمن در یک صف قرار گیرند و از نظام خود به تمام معنا حمایت کنند، تا از یک سو دسیسه‌های دشمن خنثی گردد و از سوی دیگر جان، مال، دارایی و کشور خود را حفظ کرده باشند و حکم خداوند نیز تحقق یابد، چنان که فرموده است: (وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا). النساء: (۱۱۵)

ترجمه:- هر کس پس از آن که راه هدایت برایش روشن شد، باز به مخالفت رسول الله پرداخت و راه غیر مؤمنان (غیر دین اسلام) را پیروی کرد او را به همان جهتی که روی آورده است می سپاریم و او را به دوزخ داخل میکنیم و دوزخ بد سرانجامی است.

در آیه مبارک دیگری آمده است: (وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ). المؤمنون: (۵۲)

ترجمه:- و در حقیقت این امت شما، امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا کنید.

و در آیه دیگری خداوند متعال می فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا). آل عمران: (۱۰۳)

ترجمه:- همگی به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید.

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (إن الله تعالى يأمر بالآلفة وينهى عن الفرقة، لأن الفرقة هلكة، والجماعة نجاة، ورحم الله ابن المبارك حيث قال: إن الجماعة حبل الله فاعتصموا). تفسیر القرطبی (۴/ ۱۵۹)

ترجمه:- بی گمان الله تعالی به اُلفت (محبت و همبستگی) امر کرده و از تفرقه و جدا شدن از یکدیگر نهی نموده است؛ زیرا در تفرقه و پراکندگی، هلاکت است و در جماعت و وحدت، نجات می باشد. خداوند بر ابن المبارک رحمت کند که گفته است: همانا جماعت ریسمان (حبل) خداست، پس به آن چنگ زنید. «تفسیر قرطبی (۴/ ۱۵۹)

عبدالله بن المبارک رحمه الله می فرماید: در آیه روایت است، او می گوید که وحدت و جماعت همان ریسمان خداست، پس به آن محکم چنگ بزیند.

و از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت است که فرمود: (: أن حبل الله هو الجماعة). «تفسیر از سنن سعید بن منصور (ص: ۷۶) ترجمه:- ریسمان خدا همان وحدت و یکپارچگی است.

در چنین زمانی که کشور همسایه بر خلاف تمام اصول شرعی و بین المللی، برای خوشنودی آمریکا بر ملت ما تجاوز نظامی کرده است، بر ما و شما واجب است که متحد باشیم، صفوف خود را یکی کنیم و از کشور و هم میهنان خود به صورت مشترک دفاع نماییم. هرگونه اختلاف و تفرقه حرام است، و در شرایط کنونی، اختلاف و پراکندگی گناه کبیره به شمار می رود. کسی که به اختلاف و تفرقه دامن بزند، گناه او از هر گناه دیگر بزرگ تر است، زیرا گاهی در برخی شرایط، مرتبه‌ی بعضی از احکام شرعی شدیدتر و غلیظتر می گردد، مانند زنا در حرم، یا دزدی از مجاهدان در میدان جهاد.

الله تعالی اختلاف و تفرقه را حرام قرار داده و وحدت و یگانگی را واجب نموده است. الله جل جلاله می فرماید: (مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِبَعًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ) سوره روم (آیات ۳۱-۳۲) ترجمه:- رجوع کنان به سوی الله برگردید و از او بترسید و نماز را برپا کنید و از جمله مشرکان نباشید؛ از کسانی که دین شان را پراکنده کردند و گروه گروه شدند، هر گروهی به آنچه نزد خود دارند خورسند اند.

و الله تعالی فرموده است: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) سوره انبیاء (آیه ۹۲)

ترجمه:- همانا این امت شما، امتی یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس مرا عبادت کنید.

حافظ ابن کثیر رحمه الله می نویسد: الله تعالی در این آیه کریمه به مسلمانان امر به وحدت کرده و از تفرقه و خودمحوری نهی فرموده است و در این زمینه احادیث بسیاری وارد شده است که از تفرقه نهی می کنند و به وحدت و اُلفت امر می نمایند. الله تعالی

برای مسلمانان در وحدت، حفظ از خطا را تضمین کرده و در صورت تفرقه و اختلاف، بیم از سقوط و خطا در آنان را نشان داده است. تفسیر ابن کثیر / دار الفکر (۴۷۷/۱)

در مورد حفظ وحدت، احادیث زیادی وارد شده است که بر اتحاد و یکپارچگی تأکید دارند و از تفرقه و بی‌اتفاقی جلوگیری می‌کنند. در یک حدیث شریف آمده است: عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ، وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ، مَنْ أَرَادَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ» رواه الترمذی

ترجمه:- از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: بر شما لازم است که با جماعت (اکثریت مسلمانان) باشید و از تفرقه و جدایی خودداری کنید، زیرا شیطان با فرد تنها است و از دو نفر فاصله زیادی دارد. کسی که خواهان لذت‌های بهشت است، باید با اکثریت مسلمانان باشد. در حدیث دیگری آمده است که الله تعالی از وحدت راضی است و از بی‌اتفاقی ناراض: عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا، فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ، وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ، قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةُ الْمَالِ «الموطأ، صحيح مسلم

ترجمه:- از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: الله سه چیز را برای شما خوشایند می‌داند و سه چیز را ناخوشایند: سه چیز خوشایند این است که عبادت او رابجا آرید و چیزی را به او شریک نکنید، و همگی به ریسمان (دین) الله چنگ زبند و پراکنده نشوید. سه چیز ناخوشایند این است که زیاد سخن مگویید، زیاد سؤال نکنید و مال‌ها را هدر ندهید.

در حدیث شریف دیگری وحدت و یکپارچگی واجب شمرده شده است: عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: ثَلَاثٌ لَا يَغُلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَا صَحَّةُ أُنْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، وَلِزُومُ جَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ الدَّعْوَةَ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ) رواه الترمذی

ترجمه:- از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: سه چیز است که هیچگاه دل مسلمان در آن خائن نمی‌شود: اخلاص در عمل برای الله، نصیحت به امامان مسلمان، و پیوستن و پایبندی به جماعت مسلمانان، زیرا دعوت و پیام اسلام از پشت آنان احاطه می‌یابد.

شریعت اسلامی حتی اجازه داده است که شخصی که وحدت و یکپارچگی مسلمانان را از بین می‌برد و بی‌اتفاقی و هرج و مرج ایجاد می‌کند، کشته شود. یعنی اگر کسی بیاید و تلاش کند وحدت موجود شما را برهم زند و تفرقه بیندازد، برای مصالح عمومی مسلمانان، می‌توانید او را از بین ببرید، زیرا با حذف یک نفر، جان، مال و عزت بسیاری از مسلمانان حفظ می‌شود و جامعه از فروپاشی نجات می‌یابد.

نبی علیه السلام فرموده است: عن عرفجة رضي الله عنه، قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «من أتاكم، وأمرکم جميعاً على رجلٍ واحدٍ، يُريدُ أن يَشُقَّ عصاكم، أو يُفَرِّقَ جماعتکم، فاقتلوه» صحيح مسلم (۲۳/۶)

ترجمه: از عرفجه رضي الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: کسی که نزد شما بیاید در حالی که امور شما در یک نفر متمرکز است و می‌خواهد عصای شما را بشکند یا جماعت شما را پراکنده کند، او را بکشید. اگر میان ما و شما وحدت وجود داشته باشد، نصرت الله تعالی با ما خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند به حریم ما تجاوز کند و ما را نابود سازد.

در حدیث شریف آمده است: عن ابن عباس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يدُ الله مع الجماعة (سنن الترمذی (۴۶۶/۴)

ترجمه:- از عبدالله بن عباس رضي الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: کمک و نصرت الله با جماعت مسلمانان است.

البته وحدت و یکپارچگی زمانی محقق می‌شود که همه ما در حمایت از امام شرعی و رهبر جمع شده باشیم؛ بنابراین حضور امام شرعی و رهبر برای تحقق وحدت ضروری است.

همین دلیل است که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه، که از صحابه بزرگ و مجتهد عراق بود و در زمان او دشمنان بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده بودند، برای حفاظت از اجتماع مسلمانان به دو نکته تأکید و دستور می‌داد و مردم را به وحدت و پیوستن به جماعت بزرگ مسلمانان دعوت می‌کرد و چنین می‌فرمود: (عَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ وَالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّهُمَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرَ بِهِ) — شرح السنة للبغوي (٥٤/١٠)

ترجمه:- بر شما واجب است که اطاعت کنید (از امیر و حاکم) و بر شما واجب است که وحدت و یکپارچگی را رعایت کنید، زیرا این دو، ریسمان خداوند هستند که خداوند بر آن فرمان داده است.

در اطاعت از امیر و سلطان، عدالت و پاکی او را شرط ندانید، زیرا این موضوع مانع وحدت و اطاعت می‌شود و هرگز نمی‌توانید چنین امیر و سلطان عادل پیدا کنید که همه در اطاعت او جمع شوند.

در یک روایت از سماک بن الولید الحنفی آمده است: (عن سماك بن الوليد الحنفي، أنه لقي ابن عباس رضي الله عنه، فقال: "ما تقول في سلاطين علينا يظلموننا؛ يشتموننا ويعتدون علينا في صدقاتنا، ألا نمنعهم؟"، قال: "لا؛ أعطهم؛ الجماعة الجماعة، إنما هلكت الأمم الخالية بتفرقها، أما سمعت قول الله: {وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} [آل عمران: ١٠٣]؟") — تفسیر ابن ابي حاتم (١١٧/٣)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور (٢٨٦/٢)

ترجمه:- از سماک بن الولید الحنفی رحمه الله روایت شده که می‌گوید: من با عبدالله بن عباس رضی الله عنه مواجه شدم و از او پرسیدم: «تو چه می‌گویی درباره پادشاهانی که بر ما ظلم می‌کنند، ما را دشنام می‌دهند و در اموال صدقات ما تعدی می‌کنند، آیا ما نباید مانع شان شویم؟» عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمود: «نخیر از ایشان ممانعت نکنید به آنان صدقات را بدهید، بر شما لازم است که وحدت و جماعت واحد را حفظ کنید. وحدت و نگه داشتن جماعت بر شما لازم است. بدون شک، امت‌های گذشته به سبب اختلاف و پراکندگی هلاک شدند. آیا این آیه خداوند را نشنیده‌ای: {وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} [آل عمران: ١٠٣]؟»

در وحدت و یکپارچگی ما و شما فوائد بی شمار دنیوی و اخروی نهفته است:

- ۱- وحدت میان افغان‌ها به آن‌ها در برابر تهدیدها و فشارهای خارجی قدرت و استحکام می‌بخشد.
- ۲- وحدت و یکپارچگی میان افغان‌ها موجب اتصال و پیوستگی جامعه افغانی می‌شود، تا همه اعضا و افراد جامعه از مشکلات یکدیگر مطلع باشند و کمک‌ها سریعاً به دیگران برسد.
- ۳- وحدت میان افغان‌ها به جامعه افغانی کمک می‌کند تا از نفوذ افکار، فرهنگ‌ها و عادات خارجی و وارداتی جلوگیری کند.
- ۴- وحدت و یکپارچگی میان افغان‌ها، تصویر واقعی عظمت، قدرت، عزت و کرامت آن‌ها را به جهان ارائه می‌دهد.
- ۵- وحدت و یکپارچگی میان افغان‌ها، حقیقت و واقعیت مفاهیم اسلامی، ارزش‌ها، عقاید و اخلاق را برای جهانیان روشن می‌کند
- ۶- وحدت و یکپارچگی میان افغان‌ها، محبت، عدالت و الفت را در میان آن‌ها تقویت می‌کند.
- ۷- با وحدت و یکپارچگی افغان‌ها، تاریخ افغانی زنده می‌شود.
- ۸- با وحدت و یکپارچگی، تعصبات قبیله‌ای، منطقه‌ای، زبانی و نژادی میان افغان‌ها را از بین می‌برد.

۹- وحدت میان افغان‌ها در واقع موجب قدرت خانواده‌ها، افراد، جامعه و حتی کل جهان اسلام می‌شود.

۲- ضرورت استقامت ملت در برابر فشارهای بین‌المللی و مداخلات همسایگان:

دفاع از مرزهای کشور بر ما واجب است و حفظ وحدت و پابندی به دین در برابر مداخلات و فشارهای دشمن، نشانه موفقیت ما است.

قرآن کریم به ما دستور داده است در برابر سختی‌ها و مواجهه با دشمن استقامت داشته باشیم و در برابر فشارهای دشمن ثابت قدم باشیم.

طوری‌که فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). الأنفال: ۴۵

ترجمه:- ای کسانی‌که ایمان آورده اید چون با جماعت کفار در وقت جنگ روبرو شدید پس ثابت قدم باشید و الله را بسیار یاد کنید تا به نصرت و پاداش الهی دست یابید و رستگار شوید.

الله تعالی پیامبر محبوب خود وامت وی را به استقامت امر کرده و فرموده است: (فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ). هود: ۱۱۲

ترجمه:- پس همان‌طوریکه دستور یافته ای استقامت کن و نیز بر کسی‌که همراهی تو توبه کرده و روی به الله آورده است باید چنین کند و از راه راست سرکشی مکنید بی گمان او به آنچه می‌کنید بینا است.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: (فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ). فصلت: ۶

ترجمه:- پس راست وبدون انحراف به سوی او روی بیاورید و از او آمرزش بخواهید و وای به حال مشرکان.

مقابله با دشمن و استقامت در برابر فشارهای سیاسی و نظامی او وثابت قدمی اختیار نمودن کاری است که الله تعالی ما را بر آن حکم کرده و فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). آل عمران: ۲۰۰

ترجمه:- ای کسانی‌که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید و در مقابل دشمن پایداری ورزید و برای جهاد آماده باشید در انتظار جهاد و سایل جنگی خود را مهیا کنید و از الله بترسید تا که کامیاب شوید.

در هر لحظه سخت زندگی، به ویژه در برابر فشارها و دسیسه‌های دشمن، استقامت کار کسی است که به خداوند متعال ایمان و باور قوی دارد.

کسی که می‌گوید: «رب ما الله است» و سپس در مقابل دشمن استقامت می‌کند، خداوند برای یاری چنین افرادی فرشتگان را می‌فرستد، به آن‌ها در استقامت ثبات قدم می‌بخشد و بشارت موفقیت و اطمینان می‌دهد، همان‌گونه که خداوند جل جلاله فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ).

فصلت: ۳۰

ترجمه:- بی گمان کسانی‌که گفتند پروردگار ما الله است باز به این عقیده استقامت نمودند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و به آنان مژده می‌دهند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتیکه وعده داده می‌شدید.

همچنین الله تعالی فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). الأحقاف: ۱۳-۱۴

ترجمه:- بی گمان کسانی‌که گفتند پروردگار ما الله است باز به این عقیده استقامت نمودند نه ترسی به آنان است و نه غمگین میشوند؛ ایشان اهل بهشت اند که در آن همیشه اند بخاطر آنچه از اعمال نیک میکردند.

کسی که در وقت ترس و وحشت از دشمن استقامت در دین را اختیار کند، خداوند به او در دنیا مال و نعمت‌های فراوان عطا می‌کند و پاداش‌های دنیوی و اخروی به‌ترتبه او نصیب می‌کند، همان‌گونه که الله تعالی فرموده است: (وَالَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا) الجن: (۱۶)

ترجمه:- واگر به راه راست استقامت کنند البته آنها را با آب بسیار سیراب می‌کنیم.

در طول تاریخ، قوم‌ها و امپراطوری‌های مختلف بر افغانستان حمله کرده‌اند، اما ساکنان این سرزمین استقامت و پایداری خود را از دست نداده‌اند و با شجاعت پاسخ دشمن را داده‌اند.

فواید و منافع استقامت:

۱. استقامت، دستور خداوند برای بندگان و توصیه پیامبر برای امت اوست.
۲. استقامت، عزم و اراده انسان را در برابر سختی‌ها و دشمنان قوی می‌کند.
۳. کسانی که استقامت اختیار کنند، از هیچ کس جز خداوند نمی‌ترسند و گرفتار غم و اندوه نمی‌شوند.
۴. استقامت، آرامش قلبی می‌بخشد و پایداری به حق را برای انسان آسان می‌کند.
۵. استقامت، انسان را از بزدلی و تزلزل محافظت می‌کند و ثبات قدم به او می‌دهد.

نَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الْإِسْقَامَةَ عَلَى الْإِيمَانِ وَالثَّبَاتِ فِي الْمَلَمَاتِ، اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.